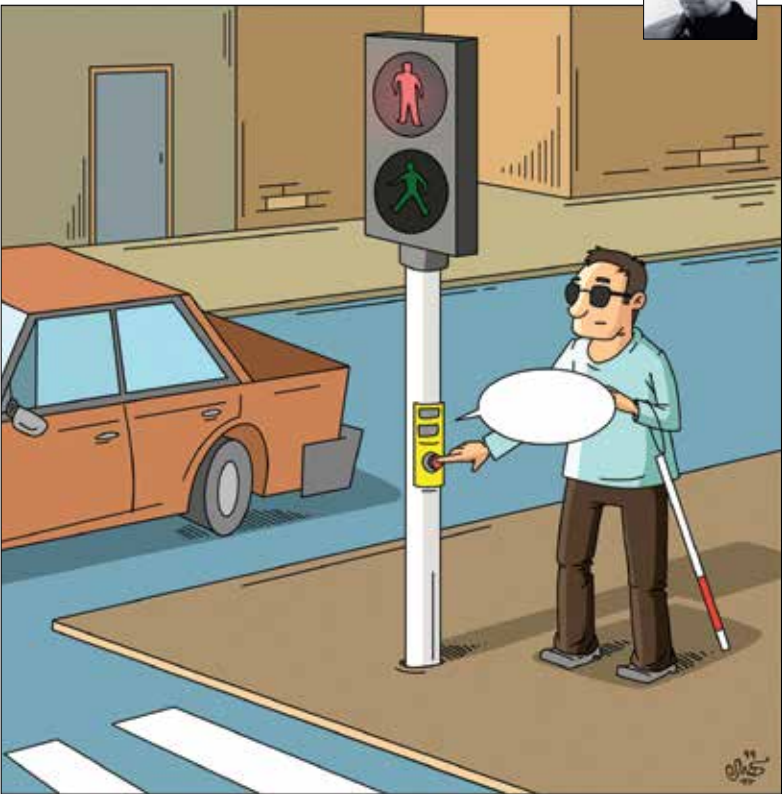




اهمیت چراغ‌های عابر پیاده ویژه نابینایان



#خودرو

قیمت خودرو و بالا رفتن آن همچنان یکی از دغدغه‌های مردم است. دیروز رئیس شورای رقابت اعلام کرد به‌طور متوسط قیمت خودروهای ایران خودرو ۱۰ درصد و قیمت خودروهای سایپا ۲۳ درصد افزایش خواهد یافت. این خبر دوباره موضوع خودرو و قیمت آن را سر زبان‌ها انداخت و درباره‌اش کاربران زیادی در صفحات مجازی‌شان نوشتند: «سایپا ۲۳درصد و ایران‌خودرو ۱۰ درصد ماشیناشون گرون‌تر شده. نمی‌دونم پس تنظیم بازار و حمایت از مصرف‌کننده چه عملی انجام می‌دن. یعنی کسی می‌ره بگیره ماشیناشونو؟» «مبارکمون باشه. قیمت خودروهای ایران خودرو ۱۰ درصد و سایپا ۲۳ درصد افزایش پیدا می‌کنه. می‌گم خودرو سازه کم و کسری چیزی ندارن؟ طفلیا همش در حال ضرر و زیان هستن با این حجم از کیفیت خودرو»، «افزایش قیمت خودرو برای جلوگیری از افزایش قیمت خودرو»، «دوباره پراید گرون می‌شه»، «این چه نوع قیمت‌گذاری است که هم تولیدکننده و هم خریدار ناراضی هستند؟ وزارت صمت چه می‌کنه؟»، «البته یک ماجرای دیگر هم باعث شد بحث خودرو دوباره مطرح شود، پیش فروش محصولات ایران خودرو که از دیروز صبح شروع شد اما کاربران زیادی نوشتند که نتوانستند در سایت

هشتک

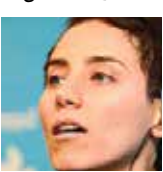
ثبت‌نام کنند و از نحوه پیش فروش انتقاد می‌کردند: «محض رضای خدا حتی یک نفر هم نتوانست لاگین کنه چه برسه ماشین ثبت‌نام کنه»، «ایران خودرو امروز ساعت ۱۱ پیش فروش داشت اما سر ساعت ۱۱ همه کاربرها را از سایت انداخت بیرون و با وجود گذشتن یکساعت و نیم از شروع خرید هنوز نمیشه لاگین کرد حتی»، «من قبل از ساعت ۱۱ تو سایتشون بودم سرساعت ۱۱ منوا از سایت انداخت بیرون تا همین لحظه من همچنان تلاش دارم وارد سایت بشم»، «برای پیش خریدخودرو ایران خودرو باید اعلام کنه چند تا خودرو به چه کد ملی‌هالی واگذار کرده است»، «دایمی اومده خونمون بنده خدا بعد از عمری به ماشین ببینه می‌تونه ثبت‌نام کنه، فعلاً ۱۰ دقیقه است در حال بازگرداری برنامه فروشه»، «این شو مسخره‌ای که امروز ایران خودرو برای پیش ثبت‌نام راه انداخت خیلی مسخره بود. رقتم تست کنم، اول اصلاً سایت بالا نمیومد، بعد وارد صفحه پیش ثبت‌نام نمیشد، بعد می‌گفت حتماً باید در سایت ثبت‌نام کنید برای ایجاد ثبت‌نام هم کلی اطلاعات می‌گرفت، جالبیش دكمه ارسال اطلاعات اصلاً نداشت»، «ساعت ۱۱ شروع شد ودقیقا ساعت ۱۲:۰۵ نتوستم وارد بشم! زنبیا نیست؟»، «خوب دیگه مبارکه سایت ایران خودرو بدون حتی یه ثبت‌نامی تکمیل ظرفیت شد.»

شهروند مجازی

شهروند مجازی

یکانه خدایی

می‌کند، «کلاس ششم بودم که باهاتون آشناشدم واز اکاننت فیس‌بوک مامانم پست‌هاتون رونگاه می‌کردم... کاش اون روزها ادامه پیدا میکرد و الان زیر آخرین پست که چند ساعتی نمی‌شه گذاشتین تودلتونوتیریک می‌گفتم»، «تولدتون مبارک بانوی دوستداشتنی، دوست نداشتم هیچوقت جای کسی باشم اما دوست داشتم ذهن مریم میرزاخانی رو می داشتم»، «از معدود آدمهای موفقی که نقش محیط و خانواده و شانس رو توی صحبت‌هاش به نوعی باتاکید مناسب هم گفته مریم میرزاخانی بوده و این نوع نگاهش و فروتنیش به اندازه جایزه‌ها و افتخاراتی که داشته قابل تحسینه»، «اثبات کرد: توی به رشته مدرسالار به زن ایرانی می‌تونه برنده بزرگ‌ترین جایزه ریاضی باشه. اثبات کرد: آدم توی زندگیش مجبور به تنها یک انتخاب نیست و میشه دانشمند و استاد ریاضی بود و هم می‌تونه مدیر به زندگی و یه مادر بود».



سخن را پدرش احمد میرزاخانی گفت: مریم را الگو کنید نه اسطوره»، «مریم میرزاخانی خیلی زود رفت. یک سرمایه ملی به تمام معنی که کاش بیشتر می‌تونستیم ازش بهره ببریم»، «هستند مریم میرزاخانی رو دیدیم امروز و نبوغش واقعاً هیجان‌زده می‌کرد آدم رو»، «دکتر مک مولن مغز متفکر در ریاضیات جهان می‌گوید: «مریم شبیه یک کامپیوتر پیشرفته است. کامپیوتری که حس می‌کند، بلخند می‌زند، دنیا را دوست دارد، عاشقانه به دیگران کمک

گفت‌وگوی گروه

چند رسانه‌ای «ایران»

با قطب‌الدین صادقی،

مدرس دانشگاه و کارگردان

تئاتر درباره مساله

تئاتر و کرونا



حرف روز



پرویز جاهد

منتقد سینما

بر صورت در حال قدم زدن در ساحل خلوت کن و در کنار بنری از عکس‌های ستارگان سینما نشان می‌دهد. دیدن چنین تصویری از شهر کن که میعادگاه عاشقان سینما از سراسر جهان در این فصل سال است، باورکردنی نیست. شهر ساحلی کن، دریای صاف، آسمان آبی و ساحل زیبای کوت‌د'آژور، از زیباترین مکان‌های تفریحی دنیاست و هر سال از ماه اردیبهشت به بعد هزاران توریست را به سوی خود می‌کشد. هر ساله در چنین روزهایی، غوغایی در کن برپا بود و هزاران سینماگر، منتقد، خبرنگار، عکاس، فیلمبردار و گزارشگر از سراسر جهان برای شرکت در یکی از عظیم‌ترین و باشکوه‌ترین رویدادهای سینمایی سال به کن می‌رفتند. اما کن، حالا این چنین خلوت و سوت و کور است و خبری از ستاره‌های سینما، فرش قرمز و برق فلاش‌ها و میهمانی‌ها و پارتی‌های شایانه در هتل‌های شیک و پنج ستاره یا روی کشتی‌ها و قایق‌های تفریحی در ساحل کن نیست.

به‌دنبال شیوع ویروس کرونا و اعلام وضعیت اضطراری و قرنطینه شدن شهرها در بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی، آمریکا و کانادا و بسته شدن سالن‌های سینما، جشنواره‌های مهم و معتبر سینمایی، از جمله جشنواره فیلم کن، ونیز، ساندنس، برلین، تورنتو و استانبول اعلام کردند که امسال برگزار نخواهند شد. و حالا مدیران و مسئولان سینمایی ایران نیز تصمیم گرفتند، برگزاری جشنواره جهانی فیلم فجر را لغو کرده و به سال بعد موکول کنند. این تصمیم کاملاً قابل پیش‌بینی بود چرا که اگر رئالیستی نگاه کنیم می‌بینیم که هیچ امکانی برای برگزاری این جشنواره در شرایط فعلی وجود نداشت. در شرایطی که تعدادی از مهم‌ترین جشنواره‌های جهانی مثل جشنواره فیلم کن، ونیز، تورنتو و لندن، تصمیم به لغو برنامه‌های خود گرفتند، برگزاری جشنواره جهانی فیلم تهران، اقدامی بی‌معنی و نابخردانه بود چرا که

هنر چاق ماندن

رفیق چاق داشتن خیلی نعمت است. آن هم برای یکی مثل من که شکمو است و همیشه دلش غذاهای خوشمزه می‌خواهد و اصلاً ما من زندگی‌اش معنای سیری را نفهمیده است. من برای اینکه بفهمم سیرم هیچ مکانیسمی ندارم فقط از غذا خوردن خسته می‌شوم و استراحت می‌کنم و بعد می‌فهمم دیگر نمی‌توانم ادامه دهم یا هم غذا تمام می‌شود و من گرسنه از سر سفره بلند می‌شوم. عین همان که می‌گویند جغد در شکم داری. این است که سعی می‌کنم دوست‌هایم را از میان چاق‌ها انتخاب کنم.

یکی از همین چاق‌ها هم رامبد خانلری است که این روزها کتاب هنر چاق بودن را منتشر کرده است. البته دوستی من با او شبیه شکست در رقافت است. عین چند شکست دیگری که در زندگی‌ام در زمینه دوستی خورده‌ام؛ چون سعی می‌کنم دوست‌های چاقی انتخاب کنم اما آنها دوست دارند لاغر شوند و تصمیم می‌گیرند لاغر بشوند. این است که رفاقت‌شان روی دست آدم می‌ماند و آدم رویش نمی‌شود بهشان بگویند دیگر تمایلی به ادامه دوستی با آنها ندارد. این است که اگر با رامبد بعد از لاغری‌اش آشنا می‌شدم، هرگز سعی در رفاقت با او نمی‌کردم و همان آشنا می‌ماندیم. درست عین رفیق‌های چاق دیگرم که لاغر شدند و این شکست را در زندگی‌ام تسری دادند. امروز از این کلمه تسری خیلی استفاده کرده‌ام. با یکی از رفیق‌های قدیمی‌ای که امروز بعد از سال‌ها پیدایش کردم حرف می‌زدیم و گفتم باید رفاقت را تسری بدهیم و او گفت تسری چه کلمه قلمبه‌ای. دوست باید همین‌طوری قلمبه باشد. غذا زیاد دوست داشته باشد. اما آنها از چاق بودن خود راضی نیستند. اصلاً نمی‌دانند چقدر در

علی رهبری: رهبر ارکستر حرفه‌ای باید جدی باشد

این که می‌گویند مایسترو کارابیان، خیلی سختگیر و بد اخلاق بوده را به‌هیچ‌وجه قبول ندارم. در مورد من و رهبران دیگر هم بعضی‌ها همین را می‌گویند. رهبران ارکستر حرفه‌ای، جلوی ارکستر شغلشان را انجام می‌دهند و باید جدی باشند. ولی در منزل همسران و پدران مهربان و خوش اخلاق هستند. در ثانی باید دید چه کسی این نوع حرف‌ها را می‌زند. موزیسین‌های بسیار خوب در مورد رهبریک نوع اظهار نظر می‌کنند و موزیسین‌های بد، نوعی دیگر.

بخشی از گفت‌وگوی این رهبر ارکستر با مهر

در چهلمین سالگرد همکاری با «فون کار ایان»

سینما تسلیم کرونا نخواهد شد

حتی اگر دولت و وزارت بهداشت هم دستور بازگشایی سالن‌های سینما را در خرداد ماه می‌داد، بعید بود تماشاگران و علاقه‌مندان سینما، در این وضعیت ریسک و اعتماد کرده و به تماشای فیلم‌های جشنواره می‌رفتند. علاوه بر این، در شرایطی که بسیاری از کشورهای جهان از جمله کشورهای اروپایی، گرفتار ویروس کرونا هستند و خیلی از پروازهای بین‌المللی لغو شده، سفر بیشتر فیلمسازان، خبرنگاران، مدیران جشنواره‌ها، خریداران فیلم و دست اندرکاران صنعت فیلم خارجی به تهران و حضور در این جشنواره ممکن نبود.

در این وضعیت، برخی از جشنواره‌های مهم مثل کن و ونیز نیز اعلام کردند که با همکاری یوتیوب قصد دارند به‌طور مشترک یک جشنواره دیجیتال در فضای مجازی و یوتیوب برپا کنند. قطعاً چنین کوشش‌هایی، جای تماشای فیلم در یک جشنواره زنده را نخواهد گرفت. زیبایی و لذت جشنواره‌ها در گردهمایی بزرگ سینماگران، منتقدان و تماشاگران جدی عاشق سینماست. جشنواره یعنی رژه ستارگان زیبا و شیک پوش روی فرش قرمز و فریاد هواداران آنها در خیابان‌ها و برق فلاش‌های عکاسان و خبرنگاران. جشنواره یعنی برای تماشای فیلمی در کن، صبح زود از خواب پا شدن و بدون خوردن صبحانه دیویدن و خود را با عجله به سالن سینمایی لومیر یا دوسوی رساندن و فیلم بخش مسابقه را در کنار بیش از هزار و پانصد خبرنگار و منتقد دیگر تماشا کردن و بلافاصله خود را به سال کنفرانس مطبوعاتی آن فیلم رساندن و به حرف‌های کارگردان و عوامل فیلم گوش کردن و سؤال پرسیدن. جشنواره یعنی کانالوگ‌ها، بروشورها، پوسترها و نشریات روزانه جشنواره را از قفسه مخصوص برداشتن و بلعیدن و در بین تماشای فیلم‌ها، قهوه‌ای را با عجله سرکشیدن و به اتاق مخصوص رسانه‌ها رفتن و تند تند تایپ کردن نقد و گزارش و ارسال فوری آن به نشریه یا رسانه‌ای که منتظر انتشار آن است. این حس و میل حضور در فضای جشنواره و نفس کشیدن در آن است که با تماشای فیلم‌ها در یوتیوب و روی مونیتور لپ‌تاپ‌ها یا گوشی موبایل‌ها، راضی نخواهد شد. با این حال، این یک تصمیم جهانی و تلاش مدیران جشنواره‌ها برای زنده نگه‌داشتن فرهنگ فیلم و نجات سینما است. این اتفاق در تاریخ سینمای جهان بی‌سابقه است و بعید نیست که بعد از پایان دوران کرونا نیز به یک سنت و رویداد سالانه سینمایی تبدیل شود. سینما، از جنگ‌ها و حوادث عظیم و ویرانگر جان سالم به در برد و این بار نیز تسلیم بیروس کرونا نخواهد شد.

دل‌ها محبوب هستند و با هر کیلویی که آب می‌کنند، از محبوبیت‌شان کاسته می‌شود. این تکه را که نوشتم با یک ایموچی آدمی که می‌خندد و اشک از چشمش بیرون می‌زند تصور کنید. یک وقتی یکی از دوست‌هایم که عمل کرده و لاغر شده بود بعد از عمل خانه ما بود. دو هفته فقط شیره گوشت می‌خورد و بعد همین‌طور لاغر ماند. بعد هم با همان لاغری مهاجرت کرد و نفر بعدی رامبد بود که خیلی از خودش کم کرد و خاطره چاق بودنش را در کتاب «هنر چاق بودن» برای ما به یادگار گذاشته است. کتابی که خاطراتش را می‌گوید؛ روایت‌هایی از زندگی‌اش. او نویسنده شیرینی است و فکر می‌کنم این شیرینی هم از همان دوران چاقی‌اش دارد و خب دیگر در شیرینی استاد شده است و نمی‌تواند از استاد بودن دست بردارد. برای همین است که هر کتابی از خانلری می‌خوانید شیرینی نثر و قلمش اول شما را جذب می‌کند و بعد روایت‌هایی که می‌سازد. او حتی در ژانر وحشت هم آدم شیرینی است. مثلاً رمان «سرمه‌سرا» پیش را که می‌خوانید، شیرین می‌ترسید. هنر چاق بودن را نشر آوند داش منتشر کرده؛ نشری که این روزها با به نشر داستان گذاشته و از نویسندگان درجه یک، کار چاپ کرده است. شرمین نادری یا مریم سمیع‌زادگان، فرهاد خاکبان و هکتردی و رضا باباخانلو و باقی کتاب‌هایی که در راه است. اما از بحث چاق‌ها خارج نشویم. این نوشته من اعتراض به رفیق‌هایم است که دل‌شان می‌خواهد لاغر باشند و می‌روند لاغر می‌شوند و وقتی باهاشون سر سفره می‌نشیني دیگر آن اشتها را ندارند و نمی‌توانی با آنها وارد رقابت بشوی. عین داریوش رفیق دیگرم که لاغر کرده و رستوران رفتن با او آن حالات سابق را ندارد. اما «هنر چاق بودن» را باید خواند و تجربه‌های مشترک با آن را در ذهن مرور کرد. کتابی که این روزها چاپ سومش تمام شده و می‌رود برای جام باشگاه‌های چهار چایی.



عکس نوشت

خانه محمود اعتمادزاده (م.ا.) به‌آذین نویسنده و مترجم، منتظر همراهی مسئولان شهرداری است تا به‌موزه تبدیل شود. فرزند این نویسنده اعلام کرده که برای تبدیل کردن خانه پدری‌اش به موزه تلاش می‌کند اما ۶۰درصد این ملک سهم بسازنفروش است و همین مساله کار را سخت کرده است. این خانه در محله صادقیه تهران قرار دارد و خانواده به‌آذین از سال ۴۶ در آن سکونت داشته‌اند. کاوه اعتمادزاده فرزند این نویسنده خانه را به همان شکلی که در زمان پدرش بوده نگه داشته است و اتاق او، میز کارش، صندلی و تخت خواب او همانند قبل حفظ شده‌اند. / عکس: ایسنا

دعای روز هجدهم

ماه مبارک رمضان

اَللّهُمَّ تَبَنَّنِي فِيهِ لِبَرَكَاتِ اسْتَحَارِهِ وَتَوَزَّ فِيهِ قَلْبِي بِضِيَاءِ اَنْوَارِهِ وَحَدْ بِكُلِّ اَعْضَائِي اِلَى اتِّبَاعِ اَثَارِهِ بِتُورِكَ يَ مُمَوِّزِ قُلُوبِ الْعَارِفِينَ

خدايا مرا در اين ماه به برکت های سحرهایش آگاه کن، و دلم را با روشنائی انوارش روشنی بخش، و تمام اعضايم را به پیروی آثارش بگمار، به نورانيتت ای نوبخش دلهاي عارفان.

ماه مهمانی خدا- ۱۷

اخلاص در کارها

رمضان المبارک

در حالی که فرمان یافته بودند تنها خدا را پرستند، دین را برای او خالص ساخته و حق‌گرا باشند و نماز را برپا دارند و زکات بپردازند و این است دین استوار.

اخلاص آن است که تمایلات و خواسته‌های نفسانی خود و دیگران را در نظر نگیریم و انگیزه ما در کارها، تنها یک چیز باشد و آن اطاعت فرمان خدا و جلب رضای او.

راه‌های کسب اخلاص

۱. توجه به علم و قدرت خداوند.

اگر بدانیم تمام عزت‌ها، قدرت‌ها، رزق و روزی‌ها به دست اوست، هرگز برای کسب عزت، قدرت و روزی به سراغ غیر او نمی‌رویم. اگر توجه داشته باشیم که با اراده خداوند، موجودات خلق می‌شوند و با اراده او، همه چیز محو می‌شود. اگر بدانیم او هم سبب ساز است هم سبب سوز، یعنی درخت خشک را سبب خرمای تازه برای حضرت مریم قرار می‌دهد و آتشی را که سبب سوزاندن است، برای حضرت ابراهیم گلستان می‌کند، به غیر او متوسل نمی‌شویم.

صدا آیه و داستان از قرآن، مردم را به قدرت‌نمایی خداوند دعوت کرده تا شاید مردم دست از غیر او بکشند و خالصانه به سوی او بروند.

۲. توجه به برکات اخلاص.

انسان مخلص تنها یک هدف دارد و آن رضای خداست و کسی که هدفش تنها رضای خدا باشد، نظری به تشویق این و آن ندارد، از ملامت‌ها نمی‌ترسد، از تنهایی هراسی ندارد، در راهش عقب‌نشینی نمی‌کند، هرگز ششیمان نمی‌شود، به خاطری اعتنایی جمعی، ناراحت و افسرده نمی‌شود، یأس در او راه ندارد، در پیمودن راه حق کار را به اکثریت و اقلیت ندارد.

۳. توجه به خواست خدا.

اگر بدانیم که دل‌های مردم به دست خداست و او مقلب القلوب است، کار را برای خدا انجام می‌دهیم و هر کجا نیاز به حمایت‌های مردمی داشتیم، از خدا می‌خواهیم که محبت و محبوبیت لازم را در دل مردم و افکار عمومی نصیب ما بگرداند.

حضرت ابراهیم در بیابان‌های گرم و سوزان حجاز، پایه‌های کعبه را با لابراد و از خداوند خواست دل‌های مردم به سوی ضریح اش متمایل گردد. هزاران سال از این ماجرا می‌گذرد و هر سال میلیون‌ها نفر عاشقانه، پر هیجان‌تر از پروانه، دور آن خانه طواف می‌کنند.

چه بسیار افرادی که برای راضی کردن مردم خود را به آب و آتش می‌زنند، ولی باز هم مردم آنان را دوست ندارند و چه بسا افرادی که بدون چشمداشت از مردم، دل به خدا می‌سپارند و خالصانه به تکلیف خود عمل می‌کنند، اما در چشم مردم نیز از عظمت و کرامتی ویژه برخوردارند، بنابراین، هدف باید رضای خدا باشد و رضای مردم را نیز از خدا بخواهیم.

۴. توجه به بقای کار.

کار که برای خداست، باقی و پابرجا می‌ماند، چون رنگ خدا به خود گرفته است، ولی کار اگر برای خدا نباشد، تاریخ مصرفش دیر یا زود تمام می‌شود. قرآن می‌فرماید: «ما عِندَکُمْ یَبْثُذُ و ما عِندَالله باقی» و هیچ عاقلی باقی را بر فانی ترجیح نمی‌دهد و با آن معامله نمی‌کند.

بهشت من

خوشنودی توسن

بر من منت نهادی و از ظلمت به نورم راهنمایی کردی.

کور بودم بینایی‌ام بخشیدی.تشنه بودم سیرابم ساختی. خوار و کوچک بودم عزتم و بزرگ‌ام دادی. تنها بودم انیمش شدی. گمراه بودم هدایتم کردی.

بر من منت نهادی و خادیم شدی تا بنبند ات باشم و بندگی ات کنم اما شرمندهام همانند میهمانی که از میزباننش سپاسگزار نباشد.

همچون فرزندی که مادر را سپاس نگوید. مثل تشنه‌ای که از سیراب‌کننده‌اش تشکر نکند. مثل کوبیری که ممنون ابرهای باران آور نباشد. شرمندهام که مرا ایمان بخشیدی و در کف طمیان بخش وحی و من اینهمه لطف را فراموش کردم.

بر من منت گذاشتی و ریزه خوار خوان سراسر هدایت و مهر رسولت کردی و من خویش را گم کردم. در قلمب جوانه ارادت

اولیایت را رویاندی و من از آنان پیروی نکردم.

ای آنکه بر من و همه اهل ایمان و رستگاری منت خویش را به کمال رساندی در این شبها و روزهایی که نسیم مهربانی ات همه جا را معطر کرده است بر منت بگذار و تا لحظه مرگ سایه هدایت را از سرم کم نکن. و باز بر من منت بگذار و در عالم جاودانگی از عنقوبت آتش رهایم ساز.

ای آنکه بر همه منت می‌نهی و هیچ‌کس بر تو منت نمی‌نهد باز هم با منتی مرا شرمند کن با منت آغوشی که برابم می‌گشایی.

بهشت من یک لحظه رها شدن در آن آغوش بی‌مانند است. من تشنه آغوش توام.

از تابش انوار تو تابنده منم

با نفعه روحانی تو زنده منم

من غافل و تو دوباره از احسانت

لطفی کردی و باز شرمند منم